

Feasibility of Engineering of the Legal System with the Approach of Private Law and its Effects based on the Role of the Family¹

Mohammad Taheri²

Abbas Karimi³

Bakhtyar Abaslo⁴

DOI:

10.30497/FLJ.2024.245452.1958



Abstract

The diverse and increasing developments of human society have been led to the creation of various issues and studying them separately has not been caused to decrease the feeling of satisfaction from the law science in facing to these issues. The society has been faced to the kind of modern distortion and the families exposed to the western waves, cannot properly deal with their survival and raising children and civilizing them. The increase in lawsuits, the delay of trials, the need to collect statistics on the distribution of justice instead of collecting data from the number of cases, high population of criminal convicts and prisoners, high costs of proceedings, the disconnection of two- way relation between the legal system and the strengthening of norms and the successive increase in the government's responsibilities are among the issues that legal system is facing to them. Therefore, the preparation of general theory and providing instruments to protect natural proceedings (justice), fundamentally had been researched in a descriptive, analytical, comparative, and innovative engineering method. These results were obtained under the title of presenting the theory of "legal system engineering" with the approach of private law, that the purposes of Sharia are the legal system foundation and to protect legislative justice, as a natural procedure (scale), about these foundations is its existence philosophy that it can be controlled through the multi- purpose function and this protection can be done through the engineering of behaviors and their consequences, in this regard, there is a mutual role between the strengthening of family and promoting the engineering of the legal system.

Keywords: private law, family, engineering of legal system, Sharia purposes, justice.

1. This article is an excerpt from a doctoral thesis in private law titled Feasibility and Engineering Effects of the Legal System with a Private Law Approach, defended at Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

2 . PhD student, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. taheri.epost@gmail.com

3 . (corresponding author) Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. abkarimi@ut.ac.ir

4 . Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. abaslob@yahoo.com

امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی و آثار آن مبتنی بر نقش خانواده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳

محمد طاهری^۲

عباس کریمی^{۳*}

بختیار عباسلو^۴

Doi: 10.30497/flj.2024.245452.1958

چکیده

امروزه، تحولات متنوع و روزافزون جامعه انسانی به ایجاد مسائل مختلفی منجر شده و مطالعه مجزای این مسائل نیز نتوانسته است کاهش احساس رضایتمندی از علم حقوق در مواجهه با آن‌ها را چاره کند. جامعه کنونی با نوعی کج‌شدگی مدرن مواجه است و خانواده‌هایی که در معرض امواج زندگی غربی هستند، نمی‌توانند به‌درستی به بقا، فرزندپروی و مدنی‌سازی فرزندان‌شان بپردازند. افزایش دعاوی، اطاله دادرسی‌ها و نیاز به آمارگیری درخصوص توزیع عدالت به‌جای ثبت شمار پرونده‌ها، جمعیت زیاد محکومان کیفری و زندانیان، هزینه‌های گزاف دادرسی، گسسته‌شدن ارتباط دوسویه میان نظام حقوقی و تقویت هنجارها، و افزایش پی‌درپی مسئولیت‌های دولت، از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی نظام حقوقی هستند؛ از این روی، در پژوهش حاضر، تمهید نظریه عمومی و ابزار برای صیانت از وجود روال طبیعی در پدیده‌های اجتماعی به شیوه‌های توصیفی، تحلیلی و تطبیقی و نیز شیوه ابتکاری مهندسی تحت عنوان ارائه نظریه «مهندسی نظام حقوقی» با رویکرد حقوق خصوصی بررسی شد و این نتیجه به‌دست آمد که مقاصد شریعت بنیان‌های کلی نظام حقوقی و فلسفه وجودی نظام حقوقی، صیانت از عدالت تشریعی به‌مثابه روال طبیعی (میزان) نسبت به این بنیان‌هاست که رصد آن از طریق تابع چندهدفه و این صیانت از طریق مهندسی رفتارها و پیامدهای آن‌ها می‌تواند انجام شود و در این میان، نقش متقابل خانواده در مهندسی نظام حقوقی و نقش این مهندسی در تحکیم خانواده، برقرار است.

کلید واژه‌ها: حقوق خصوصی، خانواده، مهندسی نظام حقوقی، مقاصد شریعت، عدالت.

۱. این مقاله، مستخرج از رساله دکتری حقوق خصوصی با عنوان امکان‌سنجی و آثار مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی، دفاع‌شده در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی است.

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

taheri.epost@gmail.com

۳. (نویسنده مسئول) استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
abkarimi@ut.ac.ir

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

abaslob@yahoo.com

مقدمه

حقوق‌دانان معتقدند علم حقوق تمام پدیده‌های اجتماعی را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه آن بخش از پدیده‌های موردبحث را شامل می‌شود که وقایع حقوقی به معنای اعم نام دارند و خود، مشتمل بر دو گروه‌اند: یکی اعمال حقوقی و دیگری وقایع حقوقی به معنای اخص (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱). از این رهگذر، حقوق‌دانان با جزئی‌نگری، در چهارچوب دسته‌بندی مرتبط با مسائل، به فهم و چاره‌اندیشی برای آن‌ها همت می‌گمارند و متدولوژی تحلیل، توصیف و مطالعه تطبیقی را درپیش می‌گیرند؛ هرچند در برابر اجتماعی که مسئله به شکل پرسش یا دعوای حقوقی به معنای اعم در آن تولد یافته است، دریچه حواس و ادراک خود را بسته و از دیرباز، به این اعتقاد دست یافته‌اند که باید حکم وقایع حقوقی در معنای اعم را ضمن توجه به فضای اجتماعی و زمینه‌های پیرامونش^۱ که قصد در آن شکل گرفته یا قانون قرار است در آن اجرا شود، یافت و از این روی، درباره شیوه‌های تفسیر تاریخی و تفسیر اجتماعی نیز در عالم حقوق سخن گفته‌اند؛ اما درخصوص راهکار توجه به آن، تنها از شیوه‌های شخصی و نوعی بحث کرده‌اند. حقوق‌دانان از استمرار توصیف و تحلیل رابطه بخش‌هایی از پدیده‌های اجتماعی که آن را خارج از قلمرو علم حقوق می‌دانند با وقایع حقوقی به معنای اعم، غافل شده و از این روی، هیچ‌گاه به پدیده‌ها و بررسی تأثیر و تأثرشان و شیوه محاسبه چگونگی و ابعاد این اثرگذاری توجه نکرده‌اند. در چنین وضعیتی علمای اقتصاد نیز برای ارزیابی و تحول‌آفرینی، به تحلیل اقتصادی حقوق روی آورده و حتی گاه قواعد و مقررات حقوقی را دست‌وپاگیر دانسته‌اند. از سوی دیگر، مهندسی اجتماعی نیز متولد شده است، آرمان اتوپیا را وعده می‌دهد و به رقابت با حقوق برخاسته است و روان‌شناسان درحالی پناهگاه مردم در برابر فشارهای روانی دعوای شده‌اند که طرح دعوای از نظر حقوقی، خود، ملجأ و وسیله مرسوم تظلم است. وانگهی درکنار افزایش روزافزون شمار دعوای در مراجع قضایی، اطلاع دادرسی‌ها، فشارهای روانی ناشی از طبیعت دادرسی‌ها، بروز خشونت‌های ناگهانی، نیاز به افزایش رضایتمندی از

دادرسی‌ها و آمارگیری از میزان توزیع عدالت به‌جای آمارگیری از ورودی و خروجی پرونده‌های دعاوی، تورم قوانین کیفری و نیاز به کاهش جمعیت محکومان کیفری و زندانیان مربوط، هزینه‌های گزاف دادرسی، محدودبودن کارایی نهاد اعسار و محدودیت توان نهاد وکالت معاضدتی، کاهش رغبت به مراجعه به وکیل دادگستری، کاهش رغبت به تسجیل معاملات با تنظیم سند رسمی، پیچیده‌شدن فرایند زندگی اجتماعی و لزوم پیشگیری از پیروزشدن بی‌حق در دعا و لزوم حمایت از ضعیف ذی‌حق در برابر اشخاص مقتدر بی‌حق، گسسته‌شدن ارتباط دوسویه و همبستگی مثبت میان نظام حقوقی و تقویت هنجارها، ضعیف‌شدن نهاد خانواده و افزایش پی‌درپی مسئولیت‌ها و هزینه‌های دولت در معنای اعم کلمه، ازجمله مسائل پیش‌روی نظام حقوقی کنونی بوده‌اند؛ به همین سبب، این مسئله مطرح بود که چگونه می‌توان با تمهید نظریه عمومی از روال عادلانه امور در مسائل موردبحث صیانت کرد و بدین منظور، در قلمرو حقوق خصوصی، به مهندسی گستره عدالت بر پدیده‌های اجتماعی مبادرت ورزید؛ سؤال دیگر این است که نقش متقابل خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه و این نظریه چه خواهد بود. بر این اساس، برای رسیدن به پاسخ، طی دو مبحث به این موضوع خواهیم پرداخت:

۱. امکان‌سنجی و آثار مهندسی نظام حقوقی

در این مبحث، چستی بنیان‌های نظام حقوقی و میزان (معیار) در تحلیل عملکرد نظام حقوقی در ارتباط با صیانت از بنیان‌ها و نقش این دو مقوله در فلسفه وجودی نظام حقوقی، توصیف و تحلیل و بر این اساس، با لحاظ تطور مفهوم مهندسی، ظهور نظریه بازی‌ها و روش تحلیل اقتصادی حقوق، قابل انجام بودن مهندسی نظام حقوقی امکان‌سنجی خواهد شد.

۱-۱. چستی بنیان و میزان در عملکرد نظام حقوقی

همان‌گونه که می‌دانیم، بخشی از پدیده‌های اجتماعی که وقایع حقوقی در معنای اعم نامیده می‌شود، در قلمرو علم حقوق قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱-۲). هر لایه از این بخش را مجموعه‌ای از قواعد حقوقی احاطه کرده است که سازمان حقوقی نامیده می‌شود؛ اما مبنایی واحد، تمام این سازمان‌های حقوقی را به یکدیگر مربوط می‌کند و از این رهگذر، نظام حقوقی هر کشور شکل می‌گیرد. آرمان‌های فلسفی، نظام حقوقی را احاطه می‌کنند (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ص ۳۵)؛ از این

روی، هر نظام حقوقی، دارای قواعد بنیادینی است که نقش اصلی را در ترسیم ساختار آن، شناسایی و انتخاب راه‌حل برای مسائل نوپدید، تفسیر قواعد حقوق، و ترسیم نهادهای جدید و متناسب با نیازها دارد و جایگاه عرضه این قواعد در فلسفه است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۷ و ۱۰). اختلاف‌نظر فلاسفه بر سر مبنای این قواعد، موجب شکل‌گیری دو مکتب حقوقی شده است: یکی مکتب فطری (طبیعی)؛ دیگری مکتب تحقق‌ی (کاتوزیان ۱۳۹۲، ص ۲۰). فلسفه (رکن معنوی) و تمدن (مظاهر مادی)، دو بعد فرهنگ هستند که از تضارب آن‌ها شخصیت و در مرتبه بالاتر، هویت فرهنگی در وجود انسان‌ها شکل می‌گیرد (ولایتی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). از نظر محققان اسلامی، فلسفه با دین پیوند دارد و تحلیل یک فیلسوف در خصوص نسبت دین و فلسفه، موجب تولد فلسفه اسلامی می‌شود (انصاریان، اکبریان و نبوی، ۱۳۹۲، ص ۵۶)؛ علاوه بر آن، چنان‌که می‌دانیم، خاستگاه فلسفه، شرق است و ۳۵۰ سال پیش، فلسفه اسلامی در نتیجه تلاش‌های ملاصدرا که منطق ریاضی را به کار بست، به نقطه استوار خویش رسید (طباطبایی و مطهری، بی‌تا، ص ۱۱-۱۲)؛ اما فلسفه غرب بعد از یک دوران خاموشی هزارساله، در پی ظهور فلاسفه عقل‌گرایی همچون دکارت و اسپینوزا در اروپای قاره‌ای که به منطق ریاضی اتکا می‌کردند و تجربه‌گرایی مانند جان لاک، بارکلی و دیوید هیوم در بریتانیا و سپس به دنبال وقوع انقلاب کوپرنیکی امانوئل کانت و نظریه دیالکتیکی هگل و اتکای او به تاریخ در فلسفه و همچنین مکتب فایده‌گرایی جرمی بنتام انگلیسی ادامه یافت و پس از آن، از یک سو با اندیشه فلسفی کارل مارکس، رنگ سیاسی گرفت (کوهن، ۱۳۹۹، ص ۲۷، ۳۵-۵۴ و ۹۱). در فلسفه غرب، هابز این بنیان‌ها را پنج مطلوب بنیادین شمرده (حکمت‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۷، ۱۰ و ۳۲) و در آخرین تحول مهم فلسفی غرب، جان رالز، قرارداد اجتماعی را منحصراً مطلوب بنیادین دانسته است (نعمتی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲ و ۱۰۷)؛ در حالی که از گذشته، در فقه امامیه، مقاصد شریعت، همواره مورد توجه بوده و درباره آن گفت‌وگو شده است (شوشتری و حیدری خورمیزی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵ و ۱۴۱؛ شوشتری و ناصری مقدم، ۱۳۹۴، ص ۱۱، ۹۹ و ۱۱۲). درباره مال، نسل، نفس، عقل، دین و عرض به عنوان مقاصد شریعت سخن گفته می‌شود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۷)؛ پس به نظر می‌رسد با توجه به این مقاصد، در مقام تبیین بنیان‌های نظام حقوقی اسلامی، آیه اول از سوره مبارکه علق را که

نخستین سوره و آیه نازل شده بر پیامبر (ص) بود و نیز آیه سوم از سوره آل عمران، آیه ۴۷ از سوره انبیاء، آیه ۳۶ از سوره یس، آیه ۵۴ سوره انعام و آیه ۳۵ سوره نور را که از خلقت همه موجودات به اقتضای رحمت خداوندی و از عدالت به مثابه میزان (معیار) در نظام صدور این رحمت (بهره‌گیری از این نعمت‌ها) خبر می‌دهند، باید موضع اتکای اندیشه قرار داد و مقاصد شریعت را قالب کلی تمام صور رحمت الهی دانست و مطابق حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه، صیانت از روال طبیعی (میزان عادلانه) تشریع شده برای بهره‌گیری از این رحمت‌های خداوند متعال را فلسفه وجودی نظام حقوقی به‌شمار آورد.

چنان‌که می‌دانیم، آن بخش از پدیده‌های اجتماعی که خارج از قلمرو وقایع حقوقی به معنای اعم می‌گذرد نیز با نام Context در توصیف قصد و سرانجام، تفسیر حکم مترتب بر آن، مؤثر می‌افتد (موسوی، موسوی، وکیلی مقدم و غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵-۱۸۶) و در تفسیر قانون نیز که مهم‌ترین منبع حقوق است و در قالب الفاظ بیان می‌شود، بخش‌های مورد اشاره، مؤثر می‌افتد؛ زیرا نه تنها از فنون ادبی، بلکه از شیوه تفسیر منطقی نیز استفاده می‌شود که خود، مشتمل بر دو شیوه تاریخی و اصولی است (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص ۲۳۴-۲۳۵)؛ پس به نظر، به همین جهت، ازدیدگاه فیلسوفان مسلمان، عدالت، مرتبه‌ای پیش از حق دارد (کریمی، آیین و شیروانی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۹) و مقوله‌ای چندساحتی و توزیعی است (نمازی و لشکری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲-۱۱۴). از این روی، فلسفه که بنابر قول منابع، علوم مختلف از آن مشتق شده است (ارجمند سیاه‌پوش، ۱۳۸۹، ص ۱۲) و درباره مبنای حق (عدالت) به لحاظ چندساحتی بودن، در سطح آن بحث می‌شود، به نظر، نقطه پیوندی برای به کار بستن علوم مختلف به منظور تحلیل و توصیف مبنای حق (عدالت) و صیانت از آن است. وجود چنین پیوندی مورد توجه راسکو پاند، رئیس اسبق دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد نیز واقع شد (McManaman, 1958, p. 1)؛ اما گویا پارادایم حقوق تحقیقی بود که آن را به صورت مردود پراگماتیسم حقوقی و سپس واقع‌گرایی و دوری از ایدئولوژی و معنویت فروکاست. از منظر جامعه‌شناختی، قرار گرفتن در معرض همین امواج زندگی غربی، جامعه ایران را به سنخ کث‌مدرن بدل کرده است که در آن، خانواده‌ها نمی‌توانند به درستی به بقا و فرزندپروری و مدنی‌سازی فرزندان بپردازند (جلائی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۷ و ۳۴)؛ به همین سبب،

شایسته است که با لحاظ کردن بنیان و میزان تبیین‌شده برای نظام حقوقی اسلامی، تطور مفهوم مهندسی و امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی را به‌منظور تمهید روشی برای گستردن عدالت بر پدیده‌های اجتماعی مطالعه کنیم و در ادامه، امکان مطالعه نقش متقابل این مهندسی و نهاد خانواده را فراهم آوریم. در بند بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۲. تطور مفهوم مهندسی و امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی

مهندسی با فرهنگ، پیوند ناگسستنی دارد و در تعریفی مختصر و مفید، عبارت از استفادهٔ خلاقانه و کاربردی از علم دانسته می‌شود (فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۱۵-۱۶)؛ چنان‌که حتی می‌توان گفت جامعه‌شناسی نیز به‌وجود آمد تا به مهندسی جامعه بپردازد. در همین راستا نخستین بار، اصطلاح «مهندسی اجتماعی» در سال ۱۹۰۹ مطرح شد که امروزه در معنای عام سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دولت و در معنای خاص کاربرد اصول و نظریه‌های اجتماعی برای مداخله در پدیده‌های اجتماعی به‌کار می‌رود (طالبان، ۱۳۹۷، ص ۹ و ۱۴-۱۵). در این حوزه، مهندسی اجتماعی از دیدگاه برخی حقوق‌دانان غربی مانند راسکو پاند^۱ مورد توجه قرار گرفت، راسکو پاند مدعی بود به حقوق طبیعی مبتنی بر عقل‌گرایی شکل گرفته بعد از قرن‌های هفدهم و هجدهم معتقد است. او مهندسی اجتماعی را فرایند ایجاد سازگاری بین تعارض‌ها برای تأمین بیشینهٔ منافع با کمینهٔ اتلاف و اصطکاک می‌شمرد و بدین ترتیب، ارزش قواعد حقوقی را نیز به آثار عملی آن‌ها مربوط می‌دانست (McManaman, 1958, p. 45). برخی دیگر نیز که از منظر حقوقی به مقولهٔ مهندسی اجتماعی پرداخته‌اند، معتقدند مهندسی اجتماعی، موجب ایجاد تغییراتی در فرهنگ جامعه می‌شود (Matnuh, 2017, p. 120). برحسب اطلاعات گردآمده، باوجود این فرازوفرودها، وقوع بحران در جامعه‌شناسی سبب شد برخی برای مهندسی اجتماعی «جعبهٔ تئوریک» که آن را عدالت می‌دانستند، ضروری تشخیص دهند و عدالت را به سطح امری وابسته به عدم احساس رضایت درونی فروکاهند (طالبان، ۱۳۹۷، ص ۴۰، ۵۷، ۵۹ و ۶۰). توقع کارکرد مهندسی در اجتماع، با عنوان «مهندسی فرهنگی» نیز مورد توجه

۱. رئیس اسبق دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه هاروارد

قرار گرفته است (مهری ثابت، ۱۳۹۰، ص ۱۰) و حتی برخی به مناسبت توجه به نقشه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی از منظر جرم‌شناختی، اهمیت دادن آن به کارکرد خانواده و ارزش‌ها و سبک زندگی در جهت پیشگیری از جرم را از نقاط قوت آن برشمرده‌اند (هاشمیان، ۱۳۹۵، ص ۱، ۲۱-۲۶، ۶۵ و ۹۲)؛ با وجود آن به نظر می‌رسد جعبه تئوریک مهندسی در اجتماع، حقوق است که عدالت در کنه آن قرار دارد و حق به منظور صیانت از آن تشریع شده است؛ بر این اساس به نظر، اندیشه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی را که برای همسokردن وجوه مختلف نظام حقوقی و تمهید ابزارها و استفاده از آن‌ها، از سطح فلسفه و با ورود به علوم مرتبط، به منظور صیانت از روال طبیعی در امور (عدالت) برمی‌خیزد، باید تفکر مهندسی در حقوق دانست. برای به کار بستن این نظریه در خانواده باید معیاری به منظور رصد و تشخیص لزوم بازتوزیع عدالت، و تحلیل کنش و واکنش دوسویه روابط اجتماعی یافت و قواعدی برای همکارانه کردن آن‌ها در نظر گرفت.

البته در راستای صیانت نظام حقوقی از عدالت، مهندسی مواجهه دادخواهی با قضاوت در ماهیت که مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی، وسیله معمول برای بازتوزیع عدالت است نیز مطرح می‌شود؛ زیرا از صدور «قرار»، توزیع عدالت در ماهیت انتظار نمی‌رود. همان‌گونه که می‌دانیم، مجموعه شرایط دارای ضمانت اجرای دادخواست، دوازه مورد (شمس، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۲۵، ۲۷ و ۳۰) و شرایط عمومی دعوا که فقدان آن‌ها ایرادات نامیده می‌شود نیز مجموعه دوازه مورد است (شمس، ۱۳۹۵، ص ۲۴۲) که چهار شرط دعوا، به شرط رعایت شرط متناظر در دادخواست برقرار می‌شود؛ پس با لحاظ این مسئله می‌توانیم با استفاده از قاعده تعمیم اصل اساسی شمارش $n_1 \times n_2 \dots n_r$ (راس، ۱۳۸۵، ص ۲)، روش محاسبه پیشامد احتمالی $P(A) = N(A)/N(S)$ (راس، ۱۳۸۵، ص ۵۱)، روش محاسبه پیشامد شرطی $P(E/F) = P(EF)/P(F)$ (راس، ۱۳۸۲، ص ۱۴) و روش احتمال وقوع توأمان چند پیشامد مستقل $P(EF) = P(E)P(F)$ (راس، ۱۳۸۲، ص ۲۴)، احتمال رعایت شرایط دادخواست و دعوا را هرچند با احتساب سیاست ارشادی دولت در خصوص شهروندان بدون دانش حقوقی محاسبه کنیم؛ همچنین

برحسب اینکه می‌دانیم نظریه احتمال (عدم قطعیت ناشی از تصادف) و منطق فازی (عدم قطعیت ناشی از ویژگی قابل انتساب) (بشیری و حسینی‌جو، ۱۳۸۸، ص ۴۱۸) به‌صورت مکمل قابل استفاده هستند (شکوری کتیگری، ۱۳۸۹، ص ۲۷) و منطق کوانتومی نیز برای محاسبه آنچه در محاسبه، هم قابل وقوع است و هم غیر قابل وقوع (Sciama, 1961, p. 472)، کاربرد می‌یابد و امکان بررسی لایه‌های پنهان منطق فازی را فراهم می‌کند (Schmitt, Nürnberger and Lehrack, 2009, p. 1)، می‌توانیم امکان محاسبه صدور رأی در ماهیت را روشن‌نمایی کنیم که البته بیان جزءبه‌جزء آن با روش‌نمایی ریاضی، خارج از رسالت این نوشتار است؛ اما برای تحلیل‌کنش و واکنش دوسویه روابط اجتماعی، حسب اینکه می‌دانیم فرایندی که در آن، اثر تصمیم اشخاص به تصمیم دیگری وابسته است، با نظریه بازی‌ها بررسی می‌شود (بادینی و اشراقی آرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶؛ دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲؛ اصغری، ۱۳۹۸، ص ۵)، به‌نظر می‌توانیم شیوه تصمیم‌گیری اشخاص در روابط اجتماعی و دعاوی را به‌منظور مهندسی توزیع عدالت، با نظریه بازی‌ها تحلیل کنیم و چون بنابر منابع می‌دانیم که تحلیل اقتصادی با نظریه بازی‌ها از حیث وجود رفتار استراتژیک، وجه اشتراک دارد (بادینی و اشراقی آرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۶ و ۳۰)، می‌توانیم نقش قواعد حقوقی در تعیین چهارچوب این بازی‌ها را از طریق تحلیل اقتصادی توصیف و تحلیل کنیم؛ البته از آنجا که اقتصاد رفتاری، برآیندی از به‌کارستن تلفیقی مواردی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، حقوق و اقتصاد است و از ریاضیات، تنها به‌مثابه یکی از ابزارهای کمکی در بیان دقیق و شفاف تبیین‌ها در آن استفاده می‌شود (آلتن، ۱۳۹۸، ص ۱، ۹ و ۱۰)، به‌نظر، تحلیل اقتصادی با رویکرد رفتاری، کارآمدتر است و تأییدی بر یافته‌های این پژوهش درخصوص تبیین «باور» به‌عنوان مبنای انتخاب اشخاص به‌شمار می‌آید که تشریح آن نیز خارج از رسالت نوشتار پیش‌روی است. به هر حال، قبل از به‌کارستن تحلیل اقتصادی نیز می‌دانستیم که نظریه بازی‌ها از حیث نتیجه به جمع صفری و غیر جمع صفری (دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷) و از حیث استراتژی دستیابی به پیامد بازی، بر دو نوع همکارانه و غیرهمکارانه تقسیم می‌شود (اصغری، ۱۳۹۸، ص ۷؛ زعمری، ۱۳۹۰، ص ۸). وانگهی بازی‌ها از نظر کامل یا

ناقص بودن اطلاعات به دو دسته تقسیم می‌شوند و هریک به‌نوبه خود، شامل بازی‌های ایستا و پویا هستند (زعمری، ۱۳۹۰، ص ۷؛ اصغری، ۱۳۹۸، ص ۶؛ دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). در بازی‌های پویا با اطلاعات ناقص، بازیگران به‌صورت متوالی تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند و زمانی چنین تعارضی تثبیت و به‌تعبیر نظریه بازی‌ها با رسیدن به تعادل متوقف می‌شود که در کل مسیر بازی، تعادلی که درخصوص این‌گونه بازی‌ها بیزین نش کامل نام دارد، حاکم شود؛ ولی در مواقعی که دشمنی وجود ندارد و رقابت بازیگران با هم به‌نفع آن‌ها تمام نمی‌شود، برای جلوگیری از آثار زیان‌بار رقابت، آنان به همکاری و تشکیل ائتلاف روی می‌آورند و این قضیه ائتلاف‌ساز در مهندسی و حقوق، واجد قابلیت کاربرد تلقی شده است (عبدلی، ۱۳۹۳، ص ۴، ۱۲۸-۱۲۶ و ۳۱۴)؛ همچنین می‌دانیم که پیشتر، پیوستگی منطق این نظریه با حقوق ایران، مورد توجه منابع علمی قرار گرفته است (دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱-۱۳۹؛ بادینی و اشراقی آرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۵۰؛ حبیبی و حبیبی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷، ۱۷۲ و ۱۷۳)؛ پس به‌نظر، از طریق قانون‌گذاری و تفسیر قواعد می‌توان بر مجموعه استراتژی‌های در دسترس و همکارانه و غیرهمکارانه‌شدن بازی و مهم‌تر از همه، پیامدها و نتیجه بازی (روابط یا دعوا) اثر گذاشت؛ اما سؤال این است که با چه معیاری می‌توان علاوه بر رصدکردن وضعیت توزیع عدالت، هنگام تقنین، مقررات‌گذاری یا تفسیر، آثار این ایقاعات بر وضعیت توزیع عدالت به‌ازای هریک از اشخاص را مهندسی کرد.

همان‌گونه که می‌دانیم، در دهه‌های گذشته، توجه اندیشمندان به روش‌نمایی محاسبه برای چنین وضعیت‌های چندوجهی‌ای (مانند عدالت) معطوف بوده است. در این حوزه، توابع چندهدفه^۱ برای طراحی و تعیین مطلوبیت متغیر وابسته‌ای به‌کار گرفته می‌شوند که به‌صورت چندین هدف در قالب تابع برای بهینه‌کردن در یک تابع کلی‌تر چندهدفه مطرح می‌شود (اصغری‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱). صورت کلی یک تابع چندهدفه را می‌توان به این شکل نمایش داد:

$$f(x) = \{f_1(x), f_2(x), \dots, f_k(x)\}$$

1. Multiple Objective Descision Making (MODM)

این روش‌نمایی به بردار بیشینه یا کمینه‌کردن مسئله معروف است و محدودیت‌های ممکن برای مقادیر ممکن آن $g(x)$ با علائم ریاضی حسب مورد پیرامون آن بیان می‌شوند (اصغرپور، ۱۳۸۸، ص ۲). به‌نظر می‌رسد درخصوص مسئله محاسبه توزیع عدالت، در ارتباط با بنیان‌های نظام حقوقی‌ای که همان مقاصد شریعت هستند، با لحاظ نقطه آغاز و انحلال اهلیت تمتع می‌توان تابع بهینه توزیع عدالت را بدین صورت و با محدودیتی به این شکل نمایش داد:

$$f(x) = \{f_1(x), f_2(x), f_3(x), f_4(x), f_5(x), f_6(x)\}$$

$$s. t: g(x) \geq 0$$

همچنین به‌نظر می‌رسد مسئله طراحی تابع وضعیت توزیع عدالت را می‌توان به‌کمک تابع چندهدفه، بدون دخالت دادن ترجیحات احساسی توسط روش‌های معروف به $L - P$ متریک محاسبه کرد که منظور از این مجموعه روش‌ها به کمترین میزان رساندن انحراف توابع هدف در یک تابع چندهدفه نسبت به یک وضعیت مطلوب است؛ بدین ترتیب، توابع هدف با مقیاس‌های گوناگون و ازجمله توابع فازی نیز در کنار هم قابل استفاده هستند (اصغرپور، ۱۳۸۸، ص ۱۱ و ۱۳) و حتی توسط روش‌هایی همچون رابطه معروف به مرکز ثقل^۱ می‌توان غیرفازی اعداد حاصل‌شده را به‌دست آورد (بشیری و حسینی‌جو، ۱۳۸۸، ص ۴۲۰ و ۴۳۴).

در این راستا، بنیان حفظ نسل که در رابطه پیش‌گفته، یکی از توابع هدف است، به‌نظر، در نظم حقوقی کنونی، خواه در قلمرو حقوق خانواده و خواه در حوزه حقوق جزا به‌صورت پذیرش بنیان خانواده و صیانت از آن مطرح است. در حقوق غرب (مانند انگلستان)، ازدواج، قراردادی برای منع ورود دیگری به رابطه و نوعی بهره‌گیری جنسی انحصاری است؛ به‌طوری که به‌موجب قانون ازدواج مصوب سال ۱۹۶۰ در انگلستان، نکاح با محارم نیز برای چنین بهره‌گیری انحصاری‌ای پذیرفته شده است (Barker and Padfield, 2015, p. 77)؛ اما ازمنظر فقه امامیه، ازدواج، امری است مستحب مؤکد و گاه واجب که فضیلت آن میان مسلمانان، مشهور و در اسلام، قطعی است؛ چنان‌که فرد مسلمان از طریق ازدواج، نیمی از دینش را حفظ

می‌کند (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۸). از نظر حقوقی نیز بر اولویت‌دادن به حفظ نظام خانواده با لحاظ رویکرد توأم با اصالت فرد و اجتماع تأکید شده است (نقیبی و شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۶۳-۲۶۲)؛ از این روی، با توجه به جنبه عبادی و اخلاقی ازدواج، علم حقوق برای نفوذ در بنیان خانواده، همیشه با موانع ناشی از چگونگی کارکرد خویش مواجه بوده است؛ به‌طوری که بنابر نظر برخی حقوق‌دانان، دولت‌ها هرگاه خواسته‌اند وجود خویش را به خانواده‌ها تحمیل کنند، به آن‌ها آسیب رسانده‌اند؛ چنان‌که قرارداد قانون به‌جای روابط عاطفی و معنوی، زن و شوهر را همچون دو مدعی در برابر هم می‌گذارد. خانواده به چیزی بیش از رساندن هرکس به حق خویش نیاز دارد و مبنای آن، فداکاری و دگرخواهی است. در این میان، حقوق، ناقص‌ترین حربه‌ای است که برای ایجاد نظم می‌توان به کار بست و جریانی که با قانون حمایت از خانواده، مصوب سال ۱۳۵۳ (متأثر از جریان فکری غرب) شکل گرفت، به تدریج، خانواده را به سستی می‌کشانند. حقوق خانواده باید همراه با مسائل فلسفی و اجتماعی مربوط به آن لحاظ شود (کاتوزیان، ۱۴۰۰ الف، ص ۱-۶)؛ پس همان‌گونه که مطالعات جامعه‌شناسی پیش‌گفته نشان داد، به‌نظر، کاستن از نفوذ ولایت مرد بر فرزندان و حق او بر اداره خانواده، صورت نامشروع و متأثر از فرهنگ غربی است که توأم با حفظ حقوق زن به‌صورت مشروع و تعبیر عرفی مهریه از طریق کسب قدرت اقتصادی برای بقیه عمر، نشوز و گسستن خانواده را به زبان تحلیل اقتصادی حقوق، به انتخابی سودآور برای زوجه و به زبان نظریه بازی‌ها به استراتژی با پیامد پارتویی تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که با نشوز، راه نفوذ معنوی کلام و چهره زوج سد می‌شود و بدون هیچ ملاحظه‌ای از نظر عاطفی (روان‌شناختی)^۱، مهریه از سوی زوجه قابل مطالبه می‌شود و حتی فرزندان مشترک به‌رغم باقی‌بودن علقه زوجیت به‌موجب تفسیر زیان‌بخش از قانون با تشخیص وجود اولویت در حضانت برای زوجه، به اقامتگاه خانواده بازگردانده نمی‌شوند و

۱. فرایندهای ذهنی ادراک و نقش امیال و انگیزه‌ها به‌عنوان علت رفتار را روان‌شناسی آشکار کرده است (ر.ک: عبدالملکی، ۱۳۹۴، ص ۲۹، ۱۵۱ و ۱۹۵). قرارگرفتن در موقعیت قدرت نیز موجب بروز رفتار غیرعادی می‌شود (ر.ک: اسلامی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۲۰-۱۸).

تنها اختیاری که مرد به‌دست می‌آورد، ازدواج مجدد است که آن هم محتاج هزینه‌ای دیگر برای تأمین مهریه ازدواج مجدد خواهد بود که ضمانتی حقوقی برای دوام‌یافتن، بیش از آنچه در ازدواج پیشین گذشته است، ندارد.

این درحالی است که در سطح فراتر، خانواده بزرگ در سیر تاریخی تحول آن فروپاشیده (کاتوزیان، ۱۴۰۰ الف، ص ۱۱-۱۴) و به‌نظر می‌رسد بنابر آنچه تاکنون در این نوشتار از نظر گذرانده شد، کاهش‌یافتن اهمیت نقش خانواده در آموزش، فعالیت‌های اقتصادی جمعی (مانند کشاورزی) و کم‌شدن اهمیت حمایت اجتماعی اعضای خانواده از یکدیگر، موجب کاهش پیامد ناشی از ائتلاف‌سازی (بازی ائتلافی) در روابط خانوادگی و هسته‌ای شدن خانواده‌ها شده است که خود از یک سو در جهت افزایش هزینه‌های دولت برای حل و فصل اختلاف از طریق ایجاد تشکیلات گسترده دادگستری‌ها، تأمین زیرساخت‌های درمان و افزایش هزینه‌های درمان‌های روان‌شناختی، افزایش هزینه مقابله با جرایم، اثرگذار بوده و از سوی دیگر، در جهت کاهش رشد اقتصادی کشور و کم‌شدن قدرت کنترل اجتماعی دولت به‌علت از میان رفتن کارکرد فشار افکار اطرافیان و به‌سبب کاهش اهمیت اعتبار و استحکام خانواده در پیشرفت اجتماعی، مؤثر واقع شده است.^۱ پس به‌نظر، برای فراهم کردن امکان نظارت بر وضعیت بنیان نسل و مهندسی آن، تابع هدف نسل را با توجه به مبانی شرعی و حقوقی ازدواج و برحسب ارزیابی کیفی از میزان تحقق اهداف این عقد مقدس حسب منطق فازی می‌توان بدین صورت محاسبه کرد:

$$f(x, y) = \frac{x \times y}{\bar{x}}$$

در این رابطه، x وضعیت زوجه در زندگی مشترک، y وضعیت زوج در زندگی مشترک و $\bar{x}$ میانگین وضعیت هریک از زوجین بدون برخورداری از زندگی مشترک است که به‌صورت

۱. برای مطالعه نقش تغییرات اساسی و ساختاری در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نقش ناشناس بودن مردم برای یکدیگر و فقدان یا ضعف کنترل غیررسمی اجتماعی در افزایش جرم ر.ک: نعمتی، آتش‌افروز، منصور نعیمی و مریدی، ۱۳۹۴، ص ۵۲؛ محسنی تبریزی و سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۲۹؛ همچنین برای مطالعه نقش مورداعتماد بودن و بهنجار بودن اشخاص در ایجاد تمایل دیگران به معامله ر.ک: آل‌تمن، ۱۳۹۸، ص ۱۵، ۲۶ و ۶۷.

فازی برحسب نظریه کارشناسان خانواده، با تابع عضویت دارای نمایشی بدین شرح، قابل ارزیابی و محاسبه است:

$$\mu_{\bar{A}}(X): X \rightarrow [0, 1]$$

پس قواعد و مقررات و تفسیر آن‌ها باید با رویکرد ایجاد بازی همکارانه در روابط زوجین، مطابق شرع مقدس، موردتوجه قرار گیرند؛ اما بررسی ابعاد مناسب و بهینه خانواده و ابزارهای لازم برای حمایت حقوقی از ایجاد این همبستگی در آن را که از آثار نظریه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی است، به مبحث دوم وامی‌گذاریم و به‌مناسبت مطالعه نقش متقابل خانواده و نظریه مهندسی نظام حقوقی بدان می‌پردازیم.

۲. نقش متقابل خانواده و نظریه مهندسی نظام حقوقی

در این مبحث با توجه به آنکه تنظیمگری سنتی برخلاف تنظیمگری فناورانه، متکی به کاربرد نهادهای مدنی است و در نظام حقوقی ایران، نهاد خانواده از مهم‌ترین جوامع مدنی به‌شمار می‌آید، به بررسی و تمهید مهندسی رفتارها و پیامدها و به طریق اولی، به استفاده از تنظیمگری به‌عنوان ابزار نظریه مهندسی نظام حقوقی برای صیانت از روال طبیعی امور و تحکیم نهاد خانواده خواهیم پرداخت.

۲-۱. نقش خانواده در پیشبرد مهندسی نظام حقوقی

در دوران معاصر، یکی از زمینه‌های موردتوجه در رشته‌های حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی، جامعه‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی، جغرافیا، مردم‌شناسی، مدیریت و اداره امور اجتماعی، تنظیمگری است که ابرازی فن‌سالارانه برای نظارت بر مسائل اجتماعی و آثار اقتصادی‌شان و جهت‌دهی منطقی به آن‌ها به‌شمار می‌رود (بالدوین، کیو و لاج، ۱۴۰۰، ص ۲۵) و مهندسی کردن به‌گونه‌ای که از مهندسی اجتماعی برمی‌آید، از سازوکارهای آن است (امامیان، ذوالفقاری، محمدزاده و سبحانیان، ۱۳۹۷، ص ۱۲). تنظیمگری عبارت از تنظیم فعالیت‌ها و روابط درونی اجزای یک سامانه ماشینی یا زنده برای فعالیت منظم، هماهنگ و بهینه آن سامانه در چهارچوب اهداف از پیش تعیین‌شده با استفاده از مجموعه‌ای از شیوه‌ها و ابزارهای متعدد و متنوع با منشأ درون‌سامانه‌ای (خودتنظیمی) و بیرون‌سامانه‌ای است که با

سطح‌بندی اقتضایی به‌صورت نزولی به صعودی وارد عمل می‌شود (یاوری، ۱۳۹۳، ص ۶۳۲ و ۶۴۶)؛ همچنین تنظیمگری عبارت از عمل مبتنی بر قصد و مستمر بخش عمومی یا خصوصی برمبنای شاخص‌های معین به‌منظور تأثیر بر رفتار پدیده هدف یا جریان امور و وقایع و شکل‌دادن به آن‌ها و از جمله به‌منظور خدمات‌رسانی و حمایت اجتماعی با مشارکت ذی‌نفع‌ها تعریف شده و بر این اساس، استفاده از شبکه‌ای از بازیگران، وجه تمایز دولت تنظیمگر از دولت رفاه است (هداوند و جم، ۱۴۰۰، ص ۲۳۶ و ۲۴۴). حتی نفوذ این اندیشه در حقوق کیفری، موجب تحول پارادایم تنبیه به تنظیم شده است؛ به‌طوری که هر پدیده مجرمانه، یک مشکل تلقی می‌شود که با تعامل میان تنظیمگر و مداخله‌دارندگان در آن، قابل نظارت و جهت‌دهی تنظیمگرانه و عادلانه است و مجازات، آخرین راه‌حل برای آن پدیده محسوب می‌شود (نوبهار و شاه‌بیگی، ۱۳۹۹، ص ۵۲۱). به تمثیل نیز تنظیمگری را نوعی محدودسازی یا جلوگیری از یک رفتار با «چراغ قرمز» و توانمندسازی یا تسهیل یک رفتار با «چراغ سبز» تعبیر می‌شود (بالدوین، کیو و لاج، ۱۴۰۰، ص ۲۸)؛ به‌گونه‌ای که هنجارگذاری مادون قانون نیز از سازوکارهای تنظیمگری به‌شمار می‌آید (یاوری، ۱۳۹۳، ص ۶۳۸)؛ بدین ترتیب، در ایران بعد از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، تنظیمگری از مجرای مقررات‌گذاری اجرایی و قضایی مورد توجه قرار گرفته و نقش نهادهای مدنی در آن لحاظ شده است (اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، ۱۴۰۰، ص ۹۷ و ۱۱۹).

بر این اساس به‌نظر می‌رسد اندیشه تنظیمگری که ابزاری فن‌سالارانه به‌شمار رفته است، برپایه شاخص عدالت می‌تواند به‌مثابه ابزار اندیشه مهندسی نظام حقوقی به‌کار گرفته شود و از آنجا که خانواده بنیادی‌ترین سامانه جامعه و خود، وجه مدنی تنظیمگری است، می‌توان آن را به‌منظور صیانت از روال طبیعی امور برای ایجاد فعالیت منظم، هماهنگ و بهینه جامعه به‌کار بست؛ ولی برای ایجاد جامعه صنعتی و پیشرفته اقتصادی و درعین حال، عاری از بحران‌های اجتماعی، در سیاست‌گذاری برای تعیین اندازه خانواده‌ها نباید جوامع غربی به‌سوی فردی‌شدن زندگی و پرکردن خلأ وجودی خانواده با تشکیل نهادهای مدنی حرکت کرد؛

همچنین نباید مانند قرون گذشته در مسیر قومی و قبیله‌ای کردن جوامع گام برداشت. خانواده هسته‌ای نیز همان‌گونه که اشاره شد، جزئی از کج‌شدگی جامعه مدرن است و موجب بروز بحران اجتماعی، حقوقی و اقتصادی می‌شود؛ از این روی به نظر می‌رسد تعادل نش^۱، سیاست‌گذاری‌ای برای شکل‌گیری بازی‌های همکارانه در وسعت طبقات قرابت به رسمیت شناخته شده در قانون مدنی است؛ اما اکنون باید به این موضوع پردازیم که چگونه اندیشه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی به رسیدن به تعادل نش یادشده، تحکیم نهاد خانواده، کاهش مسئولیت‌های روزافزون دولت و کاهش میل به طرح دعاوی قضایی می‌انجامد.

۲-۲. نقش نظریه مهندسی نظام حقوقی در تحکیم خانواده

همه خویشان نسبی گاه به علت وجودداشتن علقه و روابط واقعی در دایره تعریف خانواده قرار نمی‌گیرند؛ ولی برخی صاحب‌نظران، خانواده را عبارت از گروهی تعریف می‌کنند که به دلیل قرابت یا زوجیت، با یکدیگر همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و در رهبری و اداره مقامی قرار گرفته‌اند. قرابت (خویشاوندی) نیز خود، رابطه‌ای است که پیشتر در نتیجه نکاح، نسب یا رضاع بین دو نفر به وجود آمده است. قرابتی که حاصل نسب باشد، قرابت نسبی، قرابتی که ناشی از نکاح باشد، قرابت سببی، و خویشی حاصل از شیرخوارگی، قرابت رضاعی نام دارد. قرابت نسبی یعنی رابطه‌ای که بین دو نفر به این اعتبار، برقرار است که از نسل هم یا از نسل یک شخص دیگر هستند؛ البته پس از عقد نکاح، خویشان مرد بر مبنای درجه قرابت نسبی‌ای که با او دارند، با زوجه نیز خویشی سببی پیدا می‌کنند و از آن سوی، خویشان زن نیز از اقربای مرد محسوب می‌شوند. مبنا این است که قانون‌گذار به موجب قانون مدنی ایران، خویشاوندان را به سه طبقه تقسیم کرده و در هریک از طبقات، قرابت را به طور نسبی مورد توجه قرار داده است (کاتوزیان، ۱۴۰۰ الف، ص، ۱۲-۱۴، ۱۹-۲۰ و ۲۲)؛ بنابراین، در راستای ایجاد تعادل نش به نظر می‌رسد علاوه بر فرهنگ‌سازی برای ایجاد چنین استحکامی، نخستین گام،

۱. تعادل نش، وضعیتی است که در آن، هیچ‌یک از بازیگران انگیزه‌ای برای تغییر استراتژی و بالتبع، برهم‌زدن تعادل ندارند (ر.ک: دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷-۱۰۸).

ارتقاء دادن نقش فروکاسته نهاد خانواده از بستر یک رابطه احساسی و مبتنی بر فرزندآوری به یک نهاد مدنی و بنیادین (پایگاه اجتماعی) در جامعه است؛ چنان‌که این مسئله در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین شده و از طریق مغلوب کردن استراتژی انتخاب فروپاشی خانواده (ازدواج، اخذ مهریه و نشوز تا منجر شدن به طلاق) در مقابل استراتژی انتخاب دوام آن به کمک حقوق خصوصی و مشخصاً حقوق مسئولیت مدنی، امکان‌پذیر است.

خداوند متعال در آیه ۲۱ از سوره مبارکه روم که به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی، از منابع استنباط احکام قضایی است، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». براساس مضمون این آیه شریفه، خالق یکتا زن و شوهر را وسیله آرامش یکدیگر قرار داده است؛ همچنین به استناد ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زن و شوهر، مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر و به استناد ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، ملزم به معاضدت با همدیگر در جهت تشییع مبانی خانواده شده‌اند؛ وانگهی به استناد مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۱۴ قانون مدنی، حق شوهر، برخورداری از حق زندگی با زن و تمکین عام و خاص زن در برابر اوست. لزوم برخورداری زوج از حقوق مدنی مذکور، به استناد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۱۳۵۴ مجلس ایران) نیز باید حمایت شود و مطابق بند سوم از ماده یکم میثاق مذکور، دولت‌های متعاقد و از جمله ایران، متعهد به تضمین احقاق این حقوق شده‌اند.

به‌رغم قواعد یادشده، زمانی که زوجه با تخلف از پیمان مقدسی که منعقد کرده است، بدون هیچ عذر موجهی زندگی مشترک با زوج را ترک می‌کند و مرتکب نشوز می‌شود و حکم محکومیت به تمکین و صدور گواهی نشوز نیز اغلب به بازگشت به زندگی مشترک نمی‌انجامد، این رفتار به یک استراتژی غالب تبدیل می‌شود؛ از این روی، برمبنای یافته‌های نظریه بازی‌ها، تحلیل اقتصادی حقوقی، مهندسی اجتماعی و به شکل دقیق‌تر، صورت ترکیب و تکامل یافته آن که نظریه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی است، در راستای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای صیانت از نهاد خانواده، به نظر باید برقرار کردن حق و

تکلیف متوازن را لحاظ کرد؛ همان‌گونه که خداوند متعال از یک سوی در آیه چهارم از سوره مبارکه نساء، لزوم وجود مهر در عقد نکاح را مقرر و از سوی دیگر، در آیه ۳۴ از همین سوره، ریاست و اقتداری متقابل را برای مرد برقرار کرده است. برای تغییر دادن استراتژی شایع نشوز که به شکل‌گیری دعاوی موازی، متوالی یا موازی-متوالی منتهی می‌شود، باید این استراتژی نوظهور و متداول را به استراتژی مغلوب تبدیل کرد تا نهاد خانواده استحکام خود را بازیابد و چنان‌که گفتیم، جرم‌زایی، ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها، افزایشعضلات اجتماعی و به تبع آن، افزایش دعاوی حقوقی و فرهنگ‌شدن آن در جامعه و نیز بار مسئولیت دولت در معنای اعم کلمه برای جبران نیازهای مادی (مانند اشتغال‌زایی، تأمین مالی کسب‌وکارها، و مخارج نگهداری از زندانیان و ازکارافتاده‌ها و سالمندان) و نیازهای معنوی (همچون تربیت روزافزون مددکاران و روان‌شناسان، و بعضاً پرداخت یارانه) از یک سو کاهش و از سوی دیگر، رشد و پیشرفت اجتماعی از طریق اقتصاد خانواری فزونی یابد.

بدین منظور به‌نظر می‌رسد در پی محکوم‌کردن زوجه ناشزه به جبران خسارت، استراتژی نشوز و گرفتن مهریه نیز کارایی خود را ازدست می‌دهد. جبران صدمات روحی و اجتماعی عارض‌شده بر زوج دارای همسر ناشزه، از طریق صدور حکم به تجویز ازدواج مجدد، امکان‌پذیر خواهد بود که خود، مجدداً منوط به پرداخت مهریه است. میزان مهریه این ازدواج مجدد از طریق تشخیص مهریه همسر همکفو با معیار قرارداد مهریه زوجه ناشزه، قابل ارزیابی خواهد بود؛ پس با لحاظ مهریه‌ای که زوجه ناشزه دریافت می‌کند و قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغَرْمُ» و با توجه به این معیار قابل کارشناسی، از طریق جلب نظریه کارشناس رسمی دادگستری با ملاک قرارداد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و به‌استناد ماده چهاردهم قانون آیین دادرسی کیفری، مواد اول و دوم و دهم قانون مسئولیت مدنی، و با لحاظ اصل ۱۶۷ قانون اساسی به‌استناد آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره، قیاس اولویت نسبت بند نخست از ماده چهارم قانون حمایت از خانواده، به‌نظر می‌تواند معیار تعیین میزان محکومیت زوجه ناشزه به جبران خسارت قرار گیرد.

این نظر درخصوص شیوه ارزیابی خسارات واردشده به عواطف و روحیات بر مبنای روش محاسبه ارش، قابل اتکا و محاسبه است؛ زیرا برپایه یافته‌های روان‌شناختی، عواطف و احساسات و چگونگی کارکرد آن‌ها وابسته به عقل است (عبدالملکی، ۱۳۹۴، ص ۹۱-۹۲، ۱۶۵-۱۶۶ و ۲۱۱؛ محمدی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). بی‌تردید، با توجه به قواعد ضمان دیه باید معیار جبران خسارت واردشده به عواطف و احساسات را ارش بدانیم. در ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است برای صدمه‌ای که بر منافع وارد شود و در شرع، مقدار خاصی برای آن تعیین نشده باشد، ارش قابل مطالبه است. بر مبنای اطلاق و عموم ماده ۶۷۷ قانون یادشده به نظر می‌رسد این حکم، شامل هر نوع نقص در منفعتی به نام عقل است؛ اما در پی مراجعه به ماده ۷۰۸ همان قانون که ایجاد هرگونه نقص دائم یا موقت در هر نوع منفعت را مستوجب ارش می‌داند، در می‌یابیم هرگونه شبهه‌ای را که دایره حمایت شرع و به تبع آن، قانون را محدود و تخصصاً جبران خسارت واردشده به عواطف و احساسات را از شمول آن خارج کند، طرد خواهد کرد؛ البته درخصوص قسم دوم خسارت معنوی، به شرح پیش گفته، هزینه تشکیل خانواده جدید از طریق ازدواج با پرداخت مهریه برای جلب رضایت زوجه جدید به قبول ازدواج دائم، مبنا قرار می‌گیرد و نسبت خسارت عواطف و روحیات به خسارت واردشده بر اعتبار شخصی و خانوادگی از نسبت دیه کامل عقل که ارش خسارت واردشده بر عواطف و روحیات نمی‌تواند از آن بیشتر باشد، به کل مهریه زوجه ناشزه قابل محاسبه است و بقیه تا سقف مهریه زوجه ناشزه که معیار قرار می‌گیرد، طبق قاعده «الْغَنَمُ بِالْغَرَمِ»، جزء خسارات واردشده بر اعتبار شخصی و خانواده قرار می‌گیرد.

وانگهی نشوز و استمرار آن با وجود حکم محکومیت به تمکین، به نظر، معیاری برای احراز عدم صلاحیت زوجه به علت پایبند نبودن او به تعهدات و تکالیف خانوادگی در حوزه حضانت فرزندان مشترک است؛ مگر اینکه دادگاه، حکم به تمکین نداده باشد و مسکن جداگانه را آن‌گونه که ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴ مقرر کرده است، تجویز کرده باشد؛ همچنین به نظر می‌رسد با صدور حکم محکومیت زوجه ناشزه به جبران خسارات معنوی زوج،

به‌ویژه در صورتی که ازدواج از نوع دائم باشد و بپذیریم که مهریه به‌نشانه محبت مرد و برای جلب موافقت زن برای یک عمر زندگی مشترک تعیین شده است، زمینه تهاتر دین زوج با دین مقرر در حکم محکومیت زوجه به جبران خسارت فراهم خواهد شد و متکی به یافته‌های اقتصاد رفتاری به‌نظر می‌رسد هزینه فرصت ازدست‌رفته برای زوج کاهش می‌یابد و امکان ازدواج و تشکیل خانواده جدید در صورت باقی‌ماندن زوجه بر نشوز فراهم می‌شود و به‌لحاظ تحلیل اقتصادی، نشوز بدون وجود علت مورد قبول از سوی دادگاه، انتخابی سودآور برای زوجه ناشزه نخواهد بود؛ البته بدیهی است که برحسب اوضاع و احوال، ممکن است این خسارت به‌میزان کمتر از مهریه زوجه ناشزه تعیین شود؛ بر این اساس به‌نظر می‌رسد در نظم حقوقی کنونی، تفسیر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء که در آن، خداوند متعال فرموده:

مردان را بر زنان تسلط است به‌واسطه فضلی که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به‌واسطه آنکه مردان از مال خود انفاق می‌کنند... و زنانی که از نشوز آن‌ها بیم می‌برید، باید نخست پند دهید و از خوابگاه آنان دوری گزینید و آن‌ها را تنبیه کنید...

مسئولیت مدنی زوجه است؛ همان‌گونه که آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره از دیرباز، مبنای فقهی و سپس حقوقی قاعده اتلاف بالمباشرة و اتلاف به تسبیب و به‌تبع آن، مسئولیت مدنی قرار گرفته و باوجود آن، طرد و اجرانشدن آیه ۳۴ سوره نساء، گناهی بزرگ به‌نظر می‌رسد؛ از این روی، پذیرش امتیاز تغییر اقامتگاه یا حتی اعطای حضانت فرزند مشترک به زوجه‌ای که طبق حکم دادگاه، ناشزه تشخیص داده شده است نیز نقض غرض شارع مقدس و به‌تبع آن، غرض قانون‌گذار و نقض اقتضای حکم محکومیت به تمکین محسوب می‌شود.

از آنجا که دولت تنظیمگر باید به اجرای قواعد و اهداف خود در مرحله پیش از رسیدگی قضایی نیز بیندیشد (هداوند و جم، ۱۴۰۰، ص ۲۵۱)، به‌نظر می‌رسد از طریق مطلوب کردن ابعاد خانواده و بیرون‌آوردن آن از فرم هسته‌ای به‌اتکای برقرارشدن اعتماد میان آن‌ها و مهندسی ایجاد بازی‌های همکارانه یا ائتلافی جهت تحکیم روابط خانوادگی از طریق سیاست‌های تشویقی مثل اعطای وام به کسب‌وکارهای خانوادگی و توسعه حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها و همچنین از طریق پرهیز از اعمال هرگونه سیاست تهریبی می‌توان به فراهم‌شدن دوباره

بستر لازم برای تثبیت نهاد ریش‌سفیدی در جامعه نوین نهاد داوری که برخوردار از ضمانت اجرایی ازسوی دادگستری است، امیدوار شد و به‌نظر می‌توان کسانی را که از این استراتژی پیروی نمی‌کنند، زیر فشار افکار عمومی ازطریق فرهنگ‌سازی قرار داد؛ البته به‌نظر می‌رسد نیاز به برخورداری از حمایت اجتماعی و منافع مشترک نسبت به حفظ و افزایش میراث مشترک آتی، هرچند در وضعیت عدم توازن بازیگران (وراث بالقوه) موجب ایجاد رقابت میان اعضای خانواده برای نصیب‌بردن از آن در حال حیات مورثین آتی می‌شود، در حالت توازن بازیگران (وراث) در زمان حیات مورثین آتی، به ایجاد بازی‌های همکارانه و تحکیم روابط خانوادگی می‌انجامد که در این راستا باید دیگر بازیگران (مورثین آتی) درعین حمایت مالی از اعضای خانواده به این انتظار، دوام بخشند. وانگهی با توجه به اینکه به‌استناد ماده ۳۰۸ قانون مدنی، غصب، استیلا بر حق به‌نحو عدوان است و سرمایه‌های معنوی را نیز باید درزمره حق اشخاص بدانیم که به همین اعتبار نیز حق جبران خسارت معنوی را قانون مقرر کرده است، به‌نظر می‌رسد باید به اشخاص حق داد که اخراج بیگانه از حریم خصوصی را درکنار جبران خسارت بخواهند یا حسب مورد، منع دیگر اعضا از تعدی، تجاوز و جبران خسارت را درخواست کنند که به‌موجب آن، روابطی که از تنظیم خارج شده و به تسلط انحصاری درآمده است، به حالت عادلانه با بهره‌گیری از ضمانت اجرای جبران خسارت، بازگردد. به هر روی، از آنجا که تنظیمگری، ابزاری برای توزیع عدالت به‌شمار می‌رود، تبعاً تنظیمگری ازطریق نهاد خانواده، ابزاری برای توزیع عدالت در راستای مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی محسوب می‌شود.

یافته‌های پژوهش

مباحث مطرح‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که برخلاف نظام‌های حقوقی غرب، با درنظرگرفتن مقاصد شریعت موردگفت‌مان در فقه امامیه و فقه عامه و آیات شریفه قرآن کریم که از خلقت جهان برحسب رحمت الهی و اینکه خدا رحمت را بر خود حتم کرده و از عدالت به‌مثابه نظام صدور این رحمت خبر می‌دهند، به‌نظر، مقاصد شریعت به‌عنوان قالب کلی تمام

صُورَ رحمت خداوند متعال، بنیان‌های نظام حقوقی و توزیع عدالت مورد تشریح در خصوص این بنیان‌ها، فلسفه وجودی این نظام حقوقی است؛ همچنین آشکار شد که مبتنی بر فلسفه حقوقی اسلامی، مهندسی توزیع عدالت در ماهیت اختلافات با روش‌نمایی محاسبه احتمال صدور حکم مبتنی بر نظریه‌هایی همچون احتمال، منطق فازی و منطق کوانتومی و با پیش‌بینی رفتار اطراف رابطه- دعوا مبتنی بر یافته‌هایی مانند نظریه بازی‌ها، تحلیل اقتصادی با رویکرد رفتاری و روان‌شناسی، امکان‌پذیر خواهد بود و در این میان، با تابع چندهدفه وضعیت توزیع عدالت، قابل رصد و محاسبه است و هنگام تقنین، مقررات‌گذاری و تفسیر قضایی، برای صیانت از روال طبیعی امور (عدالت) و مغلوب کردن استراتژی تعارض (دعوا)، تشخیص جهت‌گیری و محاسبه آنچه را باید اعمال شود، فراهم و اعمال آنچه را باید باشد، مبتنی بر ابزارهای تمهید شده امکان‌پذیر می‌کند؛ این اندیشه، نظریه مهندسی نظام حقوقی نام دارد که دارای رویکرد حقوق خصوصی است؛ همچنین آشکار شد که با توجه به جایگاه خانواده در تنظیم‌گری مدنی و ابزار فن‌سالارانه به‌شمار رفتن تنظیم‌گری، از یک سو، نهاد خانواده می‌تواند مجرای اعمال صیانت از روال طبیعی در نظریه مهندسی نظام حقوقی باشد و از سوی دیگر، اعمال نظریه و یافته‌های آن می‌تواند موجب مغلوب کردن استراتژی فروپاشی خانواده و پایدار شدن ابعاد خانواده در موضع تعادل نش به‌گونه شایسته جامعه اسلامی شود.

منابع

- آل‌من، موریس (۱۳۹۸). *اقتصاد رفتاری* (محسن رنانی، مترجم). تهران: آوند دانش.
- ارجمند سیاه‌پوش، اسحاق (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی حقوق*. تهران: جامعه‌شناسان.
- اسلامی مقدم، طاهره (۱۳۹۱). آزمایش روان‌شناسی زندان استنفورد. *اصلاح و تربیت*، ۱۰ (۱۲۹)، ص ۱۸-۲۰.
- اصغری، محمدجواد (۱۳۸۸). *تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره*. تهران: دانشگاه تهران.
- اصغری، نادر (۱۳۹۸). *تأثیر بازی‌ها روی هم در نظریه بازی‌ها*. (رساله دکتری). دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
- امامیان، سید محمدصادق؛ ذوالفقاری، امیراحمد؛ محمدزاده، احسان؛ و سبحانیان، سید محمدهادی (۱۳۹۷). *نظام ملی تنظیم‌گری*. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش شماره ۱۵۹۴۰.
- اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف (۱۴۰۰). *درآمدی بر دولت تنظیم‌گر* (جلد ۱). تهران: نهاد ریاست جمهوری.

انصاریان، زهیر؛ اکبریان، رضا؛ و نبوی، لطف‌الله (۱۳۹۲). نظریه تمثیل - تأویل در اندیشه فارابی به‌مثابه ابزاری زبانی برای پیوند دین و فلسفه. جستارهای فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲، ۵۸-۳۵.

بادینی، حسن؛ و اشراقی آرانی، مجتبی (۱۳۹۰). پیش‌بینی رفتار طرفین عقد و دعوا براساس نظریه بازی‌ها. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۲(۱)، ۵۰-۲۵.

بالدوین، رابرت؛ کیو، مارتین؛ و لاج، مارتین (۱۴۰۰). *آشنایی با نظریات، استراتژی‌ها و شیوه‌های تنظیم‌گری*. اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، به‌سفرارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. تهران: راهبرد.

بشیری، مهدی؛ و حسینی جو، سید عباس (۱۳۸۸). *طراحی سیستم‌های صنعتی*. تهران: دانشگاه شاهد.

جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۹). ایران کژمردن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۱(۱)، ۴۸-۲۲.

حبیبی، بهنام؛ و حبیبی، شهرام (۱۳۹۴). واکاوی نظریه بازی‌های دادرسی مدنی با تأکید بر بازی دادرسی همکارانه. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۶(۱۱)، ۱۶۷-۱۹۳.

حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۳). قواعد بنیادین در حقوق و روش‌شناسی احراز و توسعه آن‌ها. *حقوق اسلامی*، ۱۱(۴۲)، ۷-۳۷.

دادگر، بدالله (۱۳۸۷). ابعاد و عملکرد نظریه بازی‌ها در رشته‌های مختلف. *تحقیقات حقوقی*، ۱۱(۴۷)، ۱۰۱-۱۳۷.

راس، شلدون (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر آمار و احتمال* (مجید اسدی و ابوالقاسم بزرگ‌نیا، مترجمان). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

راس، شلدون (۱۳۸۵). *مبانی احتمال* (احمد پارسیان و علی همدانی، مترجمان). اصفهان: شیخ بهایی.

زعمری، علی (۱۳۹۰). *نظریه بازی نامتناهی معمولی و فازی با استراتژی‌های ناشمارا*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

شکوری کئیگری، افروز (۱۳۸۹). *احتمال فازی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه صنعتی خواجه نصرالدین طوسی، تهران، ایران.

شمس، عبدالله (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته* (جلد ۲). تهران: دراک.

شوشتری، مهدی؛ و حیدری خورمیزی، سید محمد (۱۳۹۶). بررسی اعتبار مقاصد شریعت در آثار فقهای امامیه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی. *پژوهشنامه امامیه*، ۳(۶)، ۱۲۳-۱۴۶.

شوشتری، مهدی؛ و ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۴). کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه. *پژوهشنامه امامیه*، ۱(۱)، ۹۹-۱۱۴.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۰). *فقه استدلالی: ترجمه تحریر الروضة فی شرح اللمعة*. قم: کتاب طه.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی، مهندسی اجتماعی و انقلاب*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ و مطهری، مرتضی (بی‌تا). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (جلد ۱). تهران: صدرا.
- عبدالملکی، سعید (۱۳۹۴). *مبانی روان‌شناسی*. تهران: نشر علم.
- عبدلی، قهرمان (۱۳۹۳). *نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن*. تهران: سمت.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). *تاریخ مهندسی در ایران*. تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد ۱). تهران: سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). *فلسفه حقوق* (جلد ۲). تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰ الف). *دوره حقوق مدنی خانواده* (جلد ۱). تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰ ب). *فلسفه حقوق* (جلد ۱). تهران: گنج دانش.
- کریمی، عباس؛ آیین، علیرضا؛ و شیروانی، خدیجه (۱۳۹۶). *نظریه عمومی عدالت در علم حقوق*. تهران: دادگستر.
- کوهن، مارتین (۱۳۹۹). *تاریخ فلسفه* (مهدی شفقتی، مترجم). تهران: آوند دانش.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ و سلیمانی، مهدی (۱۳۸۹). *تبیین رابطه تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان جرم* (مطالعه موردی: استان لرستان). *امنیت اجتماعی*، ۱(۲۴)، ۲۹.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۷). *مبانی روان‌شناسی*. تهران: دیبای دانش.
- موسوی، سید فضل‌الله؛ موسوی، سید مهدی؛ و کیلی مقدم، محمدحسین؛ و غلامی، مهدی (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، ۱(۱)، ۱۸۳-۲۱۳.
- مهری ثابت، مرضیه (۱۳۹۰). *قرآن و مهندسی فرهنگی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
- نعمتی، محمد (۱۳۹۶). *بررسی و نقد کتاب نظریه عدالت جان رالز با تأکید بر تعریف عدالت*. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۷(۳)، ۱۰۳-۱۲۲.
- نعمتی، مرتضی؛ آتش‌افروز، نسرين؛ منصور نعیمی، ابراهیم؛ و مریدی، ولی (۱۳۹۴). *سنجش میزان جرم‌خیزی و تحلیل موقعیت کانون‌های جرم مناطق هشت‌گانه شهر اهواز با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتب فازی و GIS*. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۰(۳۶)، ۵۲.
- نقیبی، سید ابوالقاسم؛ و شهریاری، معصومه (۱۴۰۲). *نهاد خانواده در پرتو اصالت اجتماع*. *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۸(۷۹)، ۲۳۹-۲۶۶.

- نمازی، حسین؛ و لشکری، علیرضا (۱۳۹۱). توازن و رویکردهای عدالت: کنکاشی در رویکرد شهید صدر و شهید مطهری به توازن. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۳(۶)، ۹۷-۱۲۲.
- نوبهار، رحیم؛ و شاه‌بیگی، ایمان (۱۳۹۹). تحول پارادایم تنبیه به تنظیم در پرتو نظریه تنظیمگری پاسخ‌گو. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۰(۲)، ۵۲۱-۵۴۵.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: نشر معارف.
- هاشمیان، شریفه‌السادات (۱۳۹۵). بررسی جرم‌شناختی نقشه مهندسی فرهنگی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، قم، ایران.
- هداوند، مهدی؛ و جم، فرهاد (۱۴۰۰). مفهوم دولت تنظیمگر: تحلیل تنظیمگری به‌مثابه ابزار حکمرانی. *راهبرد*، ۳۰(۹۹)، ۲۶۶-۲۲۸.
- یاوری، اسدالله (۱۳۹۳). درآمدی بر مفهوم تنظیمگری حقوقی. *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۶۲۹-۶۴۷.
- Barker, D.; and Padfield, C. (2015). *Law Made Simple*. Tehran: Majd.
- Matnuh, H. (2017). Law as a Tool of Social Engineering. Paper Presented at the *1st International Conference on Social Sciences Education: Multicultural Transformation in Education, Social Sciences and Wetland Environment* (ICSSE 2017).
- McManaman, L. J. (1958). Social Engineering: The Legal Philosophy of Roscoe Pound. *John's L. Rev.*, 33, 1. Schmitt, I.; Nürnberger, A.; and Lehrack, S. (2009). On the Relation between Fuzzy and Quantum Logic. *Views on Fuzzy Sets and Systems from Different Perspectives*, pp. 417-438, Springer.
- Sciama, D. W. (1961). On the Interpretation of the Einstein-Schrödinger Unified Field Theory. *Journal of Mathematical Physics*, 2(4), 472-477.